

عظمت وفاداریه

ابراهیم بر فراز تاریخ

جستاری در آثار استاد علی صفائی
(عین - صاد) درباره حضرت ابراهیم (ع)

عبدالمجید فلسفیان

اگر تاریخ را رابطه انسان با جهان تعریف کنیم و انسان را موجودی تاریخ ساز بدانیم بی شک افرادی هستند که در نقش آفرینی و جهت دهنی تاریخ از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. حضرت ابراهیم (ع) در میان همین انسان‌های محوری متمایز و ممتاز است و باید بیشترین سهم را به ابراهیم (ع) بدهیم که چگونه از بین بهترین و سرزمین عراق آن روز شروع می‌کند و در شام و فلسطین ادامه می‌دهد و در جزیره العرب حرکت توحیدیش را به اتمام می‌رساند و در زمین و زمان نقش آفرینی می‌کند و برای جهان تا پایان آن طریحی را درمی‌افکند که همه انسان‌ها در این طریح تا ابد جای می‌گیرند و همه آنها در این طریح جهانی لحاظ شده‌اند که حتی یک فرد از انسان‌های امروز و فردا و فرداهای دور از نگاه ابراهیم (ع) دور نمانده است.

اگر تا امروز از سوی آن جوان مرتضایی این سؤال مطرح می‌شد که اگر پاپ و مارکس نبودند جهان چگونه بود و نقش محدود و منفی آن دو در ساختن تاریخ بشر ارزشی می‌شد، امروز باید این سؤال مطرح شود که اگر ابراهیم (ع) با این همه نقش گسترده و مثبت نبود اکنون جهان کجا بود؟

آیا جهان بشری بدون حضرت ابراهیم (ع) ممکن بود؟ آیا خدای خالق و حاکم بر هستی رضایت می‌داد که خود بدون خلیل و دوست بماند و بشر منهای ابراهیم (ع) حیات حیوانیش را داشته باشد و بس؟! اگر خداوند انسان را در احسن التعمیر و بهترین ترکیب و فطرت توأم داده و آن را در افضل السالفین و ابتدای راه قرار داده آیا بدون ابراهیم (ع) این حرکت انسان از صفر تا بی نهایت ممکن بود؟! آیا اگر حضرت ابراهیم (ع) نبود جامعه دینی شکل می‌گرفت و در نبود آن انسان مجبور نبود یا به توحش روی بیابورد و یا در تمدن احمادی سوزد و به خسران نشیند؟! راستی این ابراهیم (ع) کیست که با بودنش همه این احتمالات منفی می‌شود و تاریخ ساخته می‌شود و بشر راه خود را تا بی نهایت می‌یابد. طرح ابراهیم (ع) که فلک را سقف شکافته است و آن را فراگرفته است کدام است؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری که ذهن انسان کنجکار و ادراک‌ه‌ حضرت ابراهیم (ع) به خود مشغول کرده



نقش ابراهیم پیامبر از استاد فلسفیان

ابراهیم (ع) سخن گفته‌اند چه آنجا که از ضرورت حجت و افتخار و اضطراب انسان به حجت‌های الهی داد سخن داده‌اند و چه آنجا که به تفسیر قرآن پرداخته‌اند و نگاه قرآن به گویا و سرمشق‌های بشر پرداخته‌اند و چه آنجا که به احساسات خود را در قالب شعر نویبان کرده‌اند. حضرت ابراهیم (ع) بی‌شکندار جامعه دینی استاد جامع را به سه گروه تقسیم می‌کنند. ۱- جامعه سنتی یا جامعه آشناها ۲- جامعه مدنی یا جامعه بیگانه ۳- جامعه دینی یا جامعه هدف‌ها.

و به اختصار به ویژگی هر کدام از این جوامع اشاره می‌کنند: در زندگی قبیله‌ای و در جامعه آشناها، پدر، عشق و افتخار، توست. در جامعه مدنی و در جامعه بیگانه‌ها، حقوق و عدالت و قانون و آزادی و امنیت است که آدم‌ها را نگاه می‌دارد. در امت اسلامی که فراتر از روابط قبیله‌ای و تولیدی و معیشتی است، با هدف‌ها، بیگانه‌ها را با هم جمع و دورها را نزدیک و نزدیک‌ها را دور می‌نماید. جامعه دینی به تعبیر استاد که نگاهش کاملاً قرآنی و برگرفته از متن دین است جامعه‌ای است که از امام و رهبر شروع می‌شود چنانچه سوره بقره از شکل‌گیری چنین جامعه‌ای حکایت دارد آنجا که ابراهیم (ع) بعد از ابتلاها و آزمایش‌های مکرر و بعد از تائید بخشیدن به نعمت‌ها به مقام امامت برای ناس و توده‌ها می‌رسد و خداوند او را از چنین خطاب می‌کند: انی جعلک للناس اماماً. اما این مقامی است که بعد از حضرت ابراهیم (ع) همچنان مفتوح می‌ماند و به درخواست ابراهیم (ع) از خداوند این جایگاه در ذریه او به ودیعه گذاشته می‌شود، با یک شرط و آن هم عصمت آنها، که به بیان استاد همان مقام آگاهی و آزادی است، یعنی آگاه بودن بر همه راه بشر از مرحله قبل از چنین تابی نهایت و آزاد بودن از هر تعلقی غیر از حق. که این دو بال آگاهی و آزادی در این وسعت از انسانی امامی و رهبری می‌سازد که لحظه‌ای از لحظه‌های خداوند هستی ظلم و تعدی نکرده باشد. حضرت ابراهیم (ع) با دستیابی به این مقام متعالی امام و جلوتر انسان‌ها می‌شود و مأمور می‌شود انسان‌ها را تا به سر منزل مقصود هدایت و رهبری کند و برای این مأموریت و رسالت بزرگ بیت و خانه‌ای را می‌خواهد که از آنجا دعوتش را شروع کند و همه انسان‌ها را فراخوانی نماید که خداوند کعبه را برای او بخت و خانه قرار می‌دهد.

با جعل بیت و خانه طریح بلند امن ریخته می‌شود و

آیا اگر ابراهیم (ع) نبود جامعه دینی شکل می‌گرفت و در نبود آن انسان مجبور نبود یا به توحش روی بیابورد و یا در تمدن احمادی سوزد و به خسران نشیند!!

از ایشان آنگار زیادی در حوزه معارف و تربیت و تفسیر به جا مانده که از جامعیت و انسجام و استناد تام و تمامی برخوردار است که مجموعه آنها مایه‌تست تمام و کمال اسلام را نشان می‌دهد که از هر اتقاق و افراط و پراکنده کاری دست‌برآورد می‌آید و با یک هستند و از آنجا که فرزندان زمان خود بوده‌اند، نیازهای فکری نسل زمانش را در قالب ادبیاتی جذاب و موجز و رسا که کاملاً متأثر از ادبیات قرآن است، پاسخ گو بوده‌اند و چون بر کتاب جاودانه‌ای چون قرآن تکیه داشته‌اند لب‌س کهنگی و روزمرگی را از تن نوشته‌های خود زوده‌اند که بررسی ادبیات ایشان نیاز به تحقیق و گفت و گوی مستقلی دارد.

ایشان در نوشته‌های خود به مناسبت‌های گوناگون از

بلدالمین و شهر مکه شکل می‌گیرد که بستر را در خود دارد و ام‌القری و مرکز دعوت جهانی حضرت ابراهیم (ع) قرار می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۱۵